



Application of the teachings of the post-developmental approach in dealing with development issues in Kermanshah Province

Azadeh Olfati¹ | Kamran Lotfi² | Zainab Shahmoradian³

1. Corresponding Author ; PhD, Department of Political Science, Faculty of Social Sciences, Razi University. Kermanshah Iran. Email: azadeholfati.1391@gmail.com
2. Assistant Professor, Social and Educational Sciences, Department of Political Science and International Relations, Razi University; Email: klotfei@yahoo.com
3. Ph.D. student of Sociology, University of Research Sciences, Center Branch, Tehran. Iran. Email: z.shahmoradian.1977@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2024-08-06

Revised: 2025-12-31

Accepted: 2026/03/19

Published online: 2026-03-19

Keywords:

Kermanshah, modernization, post-development approach, alternative development, progress, Pattern.

ABSTRACT

The post-development approach, as the theoretical basis of the present study, states that the modernization and development approaches that were implemented mainly after World War II in most developing countries and regions of the world, contain an ethnocentric and Western-oriented perspective and, with a simplistic and reductionist approach to the development environment, have actually deepened the underdevelopment process of these regions and strengthened the existing gaps in the target societies. The question of the present research is: How can we understand the problem of underdevelopment in Kermanshah province and the solution to confront it? The research hypothesis is designed as follows: underdevelopment in Kermanshah province is the result of the application of the modernization development model, and the solution to overcome it is to apply a post-development approach in dealing with the cultural, economic, social, and environmental development environment of the province. The findings and innovations of the research indicate that the indigenous and endogenous pattern of exploiting the province's indigenous capacities, such as the border location and the role of bazaars in the development of regional trade, the suitable climate and natural resources such as water, soil, and pastures, the existence of historical and natural buildings for the development of tourism and handicrafts, as well as indigenous sports, presents latent and obvious environmental capabilities and capabilities that can be largely effective in removing obstacles to the province's development and improving the social, economic, and cultural life of citizens.

Cite this article: Olfati, A.; Lotfi, K; & Shahmoradian, Z (2025) Application of the teachings of the post-developmental approach in dealing with development issues in Kermanshah Province, *Journal of Social Problems of Iran*, 16 (2),211-231.

<https://doi.org/10.22059/IJSP.2026.379677.671245>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJSP.2026.379677.671245>

کاربرد آموزه‌های رهیافت پساتوسعه‌گرایی در مواجهه با مسائل توسعه استان کرمانشاه

آزاده الفتی^۱ | کامران لطفی^۲ | زینب شاهمردیان^۳

۱. دکتری علوم سیاسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: azadehoflati.1391@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: Klotfei@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه علوم تحقیقات، واحد مرکز، تهران، ایران. رایانامه: z.shahmordian.1977@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	کاربرد دستورالعمل‌های رهیافت نوسازی را می‌توان از لابه‌لای برنامه‌های پیشرفت اقتصادی- اجتماعی در سطوح ملی و محلی پیش از انقلاب اسلامی و متعاقب آن کشف نمود. وضعیت توسعه‌ای کنونی استان کرمانشاه مبین آن است که بایسته‌های نظری رهیافت یاد شده نه تنها قادر به تحقق اهداف توسعه متوازن و همگون در بخش‌های مختلف استان نبوده بلکه حیات اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی شهروندان را با پیچیدگی‌های بیشتری مواجه ساخته است. رویکرد پساتوسعه به عنوان پشتوانه نظری پژوهش حاضر بیان می‌دارد که رویکردهای نوسازی و توسعه که عمدتاً بعد از جنگ جهانی دوم در اغلب کشورها و مناطق جهان در حال توسعه انضمامی شدند، حاوی یک نگاه قوم مدار و غرب محور بوده و با رویکردی ساده‌سازی و تقلیل‌گرا به محیط توسعه در عمل باعث تعمیق فرآیند توسعه نیافتگی این مناطق و نیز تقویت شکاف‌های موجود در جوامع هدف گردیده‌اند. پرسش پژوهش حاضر آن است که دشواره توسعه نیافتگی در استان کرمانشاه و راهکار مواجهه با آن را چگونه می‌توان فهم نمود؟ فرضیه پژوهش بدین صورت طراحی شده که توسعه نیافتگی در استان کرمانشاه، برآیند کاربست الگوی مدرنیزاسیون توسعه بوده و راهکار رفع آن، به‌کارگیری رویکرد پساتوسعه در مواجهه با محیط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی توسعه استان است. یافته‌ها و نوآوری تحقیق نشانگر آن است که الگوی بومی و درون‌زا در بهره‌برداری از ظرفیت‌های بومی استان همچون موقعیت مرزی و نقش بازارچه‌ها در توسعه تجارت منطقه‌ای، اقلیم مناسب و منابع طبیعی نظیر آب، خاک و مراتع، وجود اینه تاریخی و طبیعی جهت توسعه گردشگری و صنایع دستی و نیز ورزش‌های بومی، توان و قابلیت‌های محیطی نهفته و آشکاری را پیش رو قرار می‌دهد که می‌تواند تا حدود زیادی در رفع موانع توسعه استان مؤثر واقع شده و حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهروندان را ارتقاء ببخشد. در این پژوهش، از چارچوب نظری پساتوسعه و نیز روش اسنادی، جهت تبیین مسئله تحقیق بهره گرفته شده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۸	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۲۹	
کلیدواژه‌ها: کرمانشاه، مدرنیزاسیون، رهیافت پساتوسعه، توسعه بدیل، پیشرفت، الگو.	

استناد: الفتی، آزاده؛ لطفی، کامران؛ و شاهمردیان، زینب. (۱۴۰۴). کاربرد آموزه‌های رهیافت پساتوسعه‌گرایی در مواجهه با مسائل توسعه استان کرمانشاه؛ بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۶(۲)، ۲۱۱-۲۳۱. <https://doi.org/10.22059/IJSP.2026.379677.671245>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJSP.2026.379677.671245>

۱- مقدمه

استان کرمانشاه به دلیل جایگاه راهبردی در حوزه سیاست و امنیت، اقتصاد و ارتباطات و اتصالات غرب ایران به جغرافیای پیرامون خود طی سده‌های گذشته از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است و هم اکنون نیز مهم‌ترین پهنه ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر غرب ایران به شمار می‌رود. پتانسیل‌های طبیعی چون وجود آب و هوای چهار فصل در یک زمان و منابع طبیعی، معدنی، اتصالات مرزی با کشور عراق و دروازه غرب ایران به آسیا و اروپا، امکان تجارت و گردشگری، آبپه و آثار تاریخی، جاذبه‌های طبیعی و نیز آبی‌پروری، پرورش دام و طیور از ظرفیت‌های محدوده یاد شده محسوب می‌شود. به‌رغم منابع و پتانسیل‌های مذکور، استان کرمانشاه به لحاظ برخورداری از شاخص‌های مطلوب توسعه در وضعیت نامناسبی قرار دارد و با مشکلاتی چون: توسعه ناموزون، مسأله فقر و بیکاری، مهاجرت از روستا، حاشیه نشینی و تنگناهای زیست‌محیطی مواجه است. فهم علل و دلایل تراکم‌یافتگی چالش‌های یاد شده در استان و چگونگی مواجهه با آن‌ها کماکان انجام پژوهش‌های از سنخ مقاله حاضر را ضروری می‌سازد. پرسش اصلی که پژوهش حاضر را راهبری می‌کند این است که دشواره توسعه نیافتگی در استان کرمانشاه و راهکار مواجهه با آن را چگونه می‌توان فهم نمود؟ فرضیه پژوهش بدین صورت طراحی شده که توسعه نیافتگی در استان کرمانشاه، برآیند کاربست الگوی مدرنیزاسیون توسعه بوده و راهکار رفع آن، به-کارگیری رویکرد پساتوسعه در مواجهه با محیط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توسعه استان است. ساماندهی بدین صورت است که نخست به مبانی نظری تحقیق پرداخته شده، در مرحله بعد پیشینه پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت و سپس پیامدهای الگوی مدرنیزاسیون توسعه در استان مورد بحث قرار می‌گیرد و در گام بعدی با اتکاء به آموزه‌های رویکرد پساتوسعه به ضرورت معطوف شدن برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای استان به سمت کاربست ظرفیت‌های محلی برای ارتقای حیات اقتصادی-اجتماعی شهروندان پرداخته می‌شود و در نهایت، نتیجه‌گیری و پیشنهادات پژوهش طرح خواهد شد.

۲- مبانی نظری

متعاقب پایان جنگ جهانی دوم، توسعه مترادف با رشد اقتصادی تلقی شده و سازمان ملل دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ را با عنوان دهه‌های توسعه برای جهان سوم نامگذاری کرد. اما نه تنها معضلات مناطق توسعه نیافته چون گرسنگی، فقر، عقب افتادگی و خشونت حل نشد، بلکه مشکلات دیگری همچون آلودگی محیط زیست، تخلیه منابع طبیعی، نابرابری‌های جنسی و قومی، شکاف رو به تزاید شمال و جنوب و بحران بدهی‌ها در این مناطق پدیدار شد. بنابراین، یکی از نارسایی‌های عمده ادبیات نوسازی به واسطه غلبه نگرش اثبات‌گرایی، تجزیه ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی اقتصادی توسعه به ویژه، تقلیل توسعه به رشد اقتصادی بود که آثار منفی و واکنش‌های حادی را حتی نسبت به کل پروژه مدرنیته و نوسازی در جهان سوم به وجود آورد (جان‌پرور و دیگران، ۱۳۹۹: ۴۱۰-۴۰۹).

بر این اساس از اوایل دهه ۹۰، مفاهیمی نظیر «پایان توسعه»، «ضد توسعه» یا «رویکرد گفتمانی پسا توسعه» در رد یا نقد مفروضات نظریه توسعه اقتصادی پدید آمد که نوید بخش عصری بدون محوریت غرب و الگوهایی غیر تقلیدی برای جوامع مختلف در تاریخ توسعه شد؛ رویکرد پساتوسعه، واکنشی رادیکال در تقابل با نظریات توسعه است و نخستین بار از جانب افرادی چون اسکوبار^۱، ساچز^۲، استاو^۳ و دیگر افراد مطرح شد. به عقیده این افراد نظریه توسعه، علاوه بر نتایجی که به بار آورده، به دلیل فضای فکری و نگرش و مفروضات آن باید کنار گذاشته شود. واژه پُست در نظریه یاد شده بیانگر این موضوع است که مسأله اصلی در رابطه با نظریات توسعه، مفهوم واقعی خود توسعه است (سمیعی اصفهانی و حبیبی، ۱۳۹۴: ۵۷-۵۶). بنابراین پسا توسعه نوعی گفتمان انتقادی نسبت به سنت کلاسیک توسعه می باشد و به طور کلی بازنمایی در مورد توسعه را یک وظیفه ضروری قلمداد می کند (Munck, 2023: 10). این گفتمان ضد توسعه‌ای، از بحران کنونی توسعه و کار گروه‌های مردمی سرچشمه می‌گیرد؛ در حقیقت، تمرکز پساتوسعه در اینجا در راستای جستجو برای راه‌های جایگزین جهت سازماندهی جوامع و اقتصادها، برآوردن نیازها، درمان و زندگی است (Escobar, 2014: 48). بدین جهت، نظریه پردازان پسا توسعه بر این باورند که توسعه شکست خورده است، زیرا وعده‌های آن محقق نشده است. همانطور که ساچز می‌گوید: «ایده توسعه مانند یک ویرانه در چشم‌انداز فکری ایستاده است؛ چراکه هذیان و ناامیدی، ناکامی‌ها و جنایات، همراهان همیشگی توسعه بوده‌اند. تداوم مشکلاتی مانند فقر و نابرابری پس از دهه‌ها تلاش برای ایجاد توسعه، توسط نظریه‌پردازان پسا توسعه به عنوان شهادی بر شکست توسعه تلقی می‌شود» (Matthews, 2010: 2). در همین راستا، مشکلات توسعه در کانون بحث‌های علمی قرار گرفت و مطالعات و تحلیل‌هایی در این زمینه، ایده توسعه را به چالش کشانید (Beck, 2021: 137). از این منظر، اندیشه انتقادی پساتوسعه به‌عنوان یک گفتمان، نظریه توسعه مدرنیستی را به‌عنوان یک نظریه آکادمیک با کاربدهای پنهان سیاسی و اقتصادی نقد می‌کرد. تحت تأثیر سامان فکری اندیشمندانی نظیر ایوان ایلچ و دیگر منتقدان استعمارگرایی و پسا استعمارگرایی، طیفی از نظریه‌پردازان پساتوسعه چون استاو و اسکوبار با تأکید بر اینکه توسعه در گفتمان استعماری قبلی، شمال را به‌عنوان مترقی، پیشرفته و کشورهای جنوب را به‌عنوان بدوی، عقب مانده و رو به انحطاط تعریف می‌کردند؛ معنای مدرن توسعه را به چالش کشیدند. به عقیده اسکوبار و دیگر پساتوسعه‌گرایان جریان توسعه آن‌طور که کشورهای جنوبی تجربه‌اش کرده‌اند بنا به مفروضات اروپامدارانه بوده است (احمدی و بیدالله خانی، ۱۳۹۲: ۴۹-۴۸).

به نظر اسکوبار، رویه‌های برنامه‌ریزی و برداشت‌هایی که بعد از جنگ دوم جهانی، به جهان سوم راه‌یابی کردند، نتیجه مجموعه‌ای از فعالیت‌های تحقیقی، سیاسی و اقتصادی بوده‌اند و نه چارچوب‌های بی‌طرفانه‌ای که به درستی «واقعیت» را نمایان سازند. با به‌کارگیری برنامه‌ریزی شهری، منطقه‌ای و ملی توسعه در کشورهای جهان سوم، علاوه بر اینکه محتوای تاریخی خود را به این کشورها وارد کرد، بلکه به وضعیت فرهنگی و اجتماعی-اقتصادی که امروز کم توسعه یافتگی خوانده می‌شود، منجر شد. پسا توسعه‌گرایی منادی کنار گذاشتن شیوه زندگی و تفکری است که حاصل توسعه مدرن است و این کار را جهت احیای انواع فرهنگ‌ها و فلسفه‌های به اصطلاح غیر غربی و غیر مدرن به انجام می‌رساند. بنابه این نظریه توسعه غربی مولد نبوده، بلکه مخرب بوده است و باید با آن مقابله کرد (علی‌پور، ۱۳۹۲: ۴۵۹-۴۵۸). همچنین اسکوبار در این راستا ادعا می‌کند که توسعه در یک گفتمان غربی و نو استعماری گنجانده شده است که روابط قدرت نابرابر بین شمال و جنوب جهان را تداوم می‌بخشد، و در این مسیر، ایالات متحده پس از جنگ سرد به عنوان چراغ راه می‌ایستد (Sande Lie, 2008: 121). رهنما نیز معتقد است، توسعه در ادامه استعمار قابل فهم است

1 Arturo Escobar
2 Wolfgang Sachs
3 Gustavo Esteva

اما تفاوت بنیادین میان استعمار سیاسی و توسعه این است که اولی از راه رابطه ارباب - برده، افراد را زیردست می کند اما هدف توسعه برعکس، مستعمره کردن از درون است. توسعه در قالب «دشمن درونی» کار می کند و بر آن است که هر شخص بومی را به کارگزار اقتصادی تبدیل کند تا بتواند پول بیشتری تولید کند (رهنما، ۱۴۰۲: ۵۶).

سیاست نوسازی مدرن غالباً به «امتناع از پذیرش دانش های محلی، نشنیدن صداها و دغدغه های نیازمندان توسعه در میان فقرای آسیا و آمریکای لاتین» منجر شده است. یعنی به کارگیری الگوی توسعه دولتی و رویکرد از بالا به پایین که در آن دانش بومی، ارزش ها و هنجارهای محلی هیچ جایگاهی ندارند (مومنی و درویشی، ۱۳۹۸: ۹۱). پساتوسعه گرایی در کنار تبیین بن بست های توسعه، رویکردهای جایگزینی را معرفی می کند و با کنار گذاشتن بخش هایی از گفتمان توسعه همچون: مدرنیته، مرکزیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی غرب، اقتصاد بازار و جوامع اقتدارگرا؛ با ترسیم یک چشم انداز خاص، تغییرات استراتژیکی را پیشنهاد می کند. در آثار اسکوبار ویژگی های مشترک رویکرد پساتوسعه به درستی تعیین گردیده است؛ بر این اساس، رهیافت پساتوسعه به راه های بدیلی برای تحقق پیشرفت بر اساس اقتضانات، نیازها، ظرفیت ها، فرهنگ و دانش بومی می اندیشد و از محل گرایی در توسعه جانبداری می کند (پیت و هارت ویک، ۱۳۸۴: ۲۲۰-۲۱۰). در این رویکرد، ایده توسعه منطقه ای و محلی، با توانمندسازی سازمان ها و نهادهای غیر دولتی مردم محور صورت می پذیرد و از طریق بعضی از فرستادگان دولتی مثل مهندسان و اقتصاددانان، تعامل با مردم محلی حاصل شده و پویایی متقابل و توانمند ساختن آنها نیز از دیگر محورهای توسعه مردمی است (احمدی و بیدالله خانی، ۱۳۹۲: ۵۲).

رهیافت یاد شده بر خلاف پارادایم توسعه برون زاء، الگویی است که معطوف به توجه به منابع و قابلیت های داخلی، شرایط تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جوامع بومی و محلی است. بنابراین از تقلید و الگو برداری محض و وابستگی به خارج در مفصل بندی توسعه اجتناب نموده و غالباً با عطف به فهم ظرفیت ها، تنگناها و راهکارهای بدیل و بومی توسعه به مقوله یاد شده می - نگرد (علیزاده آرنند و کنعانی، ۱۳۹۸: ۸). این رهیافت دارای ویژگی ها، قابلیت ها و ظرفیت هایی در ابعاد مختلف اجتماعی - سیاسی، معنایی و هویت، فیزیکی - مادی، سازمانی، نهادسازی و حتی بروز و ظهور قابلیت های فردی و شخصی را در خود نهفته دارد؛ تصویر شماره یک گویای این امر می باشد (Unzueta and Guzm, 2015: 52).



تصویر ۱. قابلیت های رهیافت توسعه

Source: (Unzueta and Guzm, 2015: 52)

۳- پیشینه پژوهش

عنوان پژوهش حاضر در تلاقی سه حوزه اصلی قرار می‌گیرد: ۱- مبانی نظری پساتوسعه ۲- مطالعات انتقادی توسعه در ایران ۳- پژوهش‌های مرتبط با توسعه‌نیافتگی استان کرمانشاه. که در ادامه برخی از مهم‌ترین آثار این حوزه مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

– مبانی نظری پسا توسعه

پس از جنگ جهانی دوم مفهوم توسعه تحت سیطره الگوی مدرنیزاسیون، توسعه را یک فرایند خطی برگرفته از مدل غربی آن می‌دانست. لکن، آن‌چه در عمل به وقوع پیوست؛ پیامدهای این رویکرد از جمله تخریب محیط زیست، نابرابری، از بین رفتن فرهنگ‌های بومی و غیره بود که منجر به ظهور رویکردهای انتقادی در برابر الگوی مدرنیزاسیون توسعه شد. از جمله رادیکال‌ترین نقدها به این الگو؛ رویکرد پساتوسعه‌گرایی با نظریه‌پردازان برجسته‌ای چون اسکوبار، ساچز و مجید رهنما بودند که خود ایده «توسعه» را مورد نقد قرار داده و گفتمان توسعه را ابزار سیطره سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای شمال بر جنوب می‌دانند.

اسکوبار (۱۴۰۰)، در کتاب «مواجهه با توسعه (ساخت و تخریب جهان سوم)»، توسعه را یک ساختار گفتمانی می‌داند که به واسطه آن واقعیات جهان سوم به گونه‌ای ساخته و پرداخته شده است که نیازمند مدیریت و مداخله غرب به نظر برسد و معتقد است که پیش از گفتمان توسعه، توسعه‌نیافتگی وجود خارجی نداشت و این مفهوم؛ ابداع گفتمان توسعه است.

ساچز (زاکس) ۱۳۷۷، دیگر چهره برجسته رویکرد پساتوسعه، در کتاب «نگاهی نو به مفاهیم توسعه»، به نقد و تحلیل دیدگاه‌ها و نظریات مرسوم در رابطه با توسعه پرداخته و به دنبال درک عمیق‌تری از فرایند توسعه و چالش‌های آن در جهان معاصر می‌باشد. او می‌خواهد نشان دهد که توسعه تنها محدود به رشد اقتصادی نیست، بلکه ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی نیز به همان میزان مهم است. به اعتقاد وی فرایند توسعه در کشورهای مختلف با توجه به شرایط خاص آن‌ها متفاوت است و نمی‌توان رویکردی واحدی به کار برد.

مجید رهنما (۱۴۰۲)، از دیگر نظریه پردازان شاخص پسا توسعه در کتاب «پساتوسعه» به نقد نظریات توسعه، نقد مدرنیته و توسعه اقتصادی پرداخته و چالش‌های جهانی‌سازی که منجر به بحران در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در کشورهای درحال توسعه شده است را مورد بررسی قرار می‌دهد. وی در بخشی از کتاب در رابطه با توسعه بومی و محلی؛ مدل‌هایی از توسعه را مورد اشاره قرار می‌دهد که با توجه به نیازهای اساسی مختص هر جامعه طراحی شده است.

با اوصاف مذکور، ایده استوار در مبانی نظری پژوهش حاضر این است که توسعه یک برساخت تاریخی و فرهنگی با پیامدهای مشخص است نه یک مفهوم جهان‌شمول. بدین جهت، رویکرد پساتوسعه در پی ارج نهادن به راهکارهای محلی و بومی می‌باشد نه اینکه الگوی جدیدی ارائه دهد.

– مطالعات انتقادی توسعه در ایران

از جمله اندیشمندان شاخص در حوزه تاریخ اجتماعی و توسعه، محمدعلی کاتوزیان می‌باشد که در آثار خود به نقد مفاهیم توسعه‌ای نهادهای اقتصادی و اجتماعی و تاریخ تحولات ایران می‌پردازد. وی در کتاب «نه مقاله در جامعه‌شناسی تاریخی ایران» (۱۴۰۳)، مدل‌های توسعه غربی در جوامع غیر غربی به ویژه ایران را نقد می‌کند و معتقد است توسعه باید بر اساس شرایط ویژه فرهنگی، تاریخی و اجتماعی هر جامعه باشد.

حیدر نجفی رستاقی و حمید دهقانیان (۱۴۰۰)، در مقاله‌ای با عنوان «بازاندیشی انتقادی مفهوم «توسعه» با تأکید بر ملاحظات معرفتی حکمرانی در ایران»، با رویکردی انتقادی به مفهوم توسعه می‌پردازند و این مفهوم را در چهار محور فلسفی-الهیاتی، فرهنگی- اجتماعی و سیاسی و اقتصادی مورد بررسی قرار می‌دهند. نویسندگان در این مقاله تلقی‌های غربی از توسعه همچون، یکنواختی فرهنگی، خطی‌انگاری و تقدم اقتصاد بر فلسفه در برنامه‌ریزی اجتماعی را مورد نقد قرار می‌دهند و با توجه به شرایط بومی و معرفتی حکمرانی در ایران بر لزوم بازتعریف توسعه تأکید دارند.

– پژوهش‌های مرتبط با توسعه‌نیافتگی استان کرمانشاه

محسن رنانی و نریمان محمدی (۱۴۰۱)، در کتابی با عنوان «توسعه کرمانشاه» به دنبال واکاوی ریشه‌های تاریخی، ژئوپلیتیک، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی توسعه استان کرمانشاه و ارائه الگوی توسعه اجتماعی الگو محور با رویکرد میان رشته‌ای و تاریخی – تحلیلی پرداخته است.

وکیل احمدی و جلیل کریمی (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای با عنوان «پژوهشی کیفی در موانع توسعه‌نیافتگی اقتصادی استان کرمانشاه»، به شناسایی موانع توسعه اقتصادی از دیدگاه مردم و دسته‌بندی این موانع در سه حوزه اقتصادی (فقر و بیکاری)، سیاسی- مدیریتی (مدیریت ضعیف) و اجتماعی – فرهنگی (اعتیاد) با استفاده از مبانی نظری (Grounded Theory) است.

فاضل الیاسی سرزلی و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «تفسیر معنایی توسعه‌نیافتگی استان کرمانشاه با تأکید بر دیدگاه صاحبان شرکت‌ها و کارگاه‌های شهرک‌های صنعتی» به بررسی تجربه زیسته و تفسیر معنایی کارآفرینان و صاحبان صنایع از توسعه- نیافتگی با استفاده از نظریه مبنایی (Grounded Theory) و جامعه‌شناسی تفسیری پرداخته‌اند.

سید عباس احمدی و همکاران (۱۴۰۳)، در مقاله‌ای با عنوان «عوامل توسعه‌نیافتگی نواحی مرزی (مطالعه موردی: شهرستان‌های مرزی استان کرمانشاه)»، به شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه‌نیافتگی در مناطق مرزی استان با تمرکز بر چهار دسته عامل سیاسی امنیتی، اجتماعی- فرهنگی، ضعف مدیریتی دولت و جنگ و پیامدهای آن با رویکردی توصیفی – تحلیلی و ابزارهای کمی و کیفی می‌پردازند.

پژوهش‌های مذکور توسعه‌نیافتگی را به عنوان یک مسئله در نظر گرفته و به دنبال حل آن در پارادایم غالب «توسعه» هستند، حال آنکه پژوهش حاضر با رویکرد پساتوسعه‌گرایی خود مفهوم «توسعه» را که مبتنی بر الگوی غربی رشد اقتصادی و بی‌توجهی به فرهنگ بومی است؛ به چالش می‌کشد. نکته دیگر اینکه، مبانی نظری پژوهش‌های مذکور مبتنی بر نظریات کلاسیک و نئوکلاسیک توسعه، نظریه مبنایی، جامعه‌شناسی تفسیری و رویکردهای مدیریتی است. در حالی که مقاله حاضر و متفکران نظری آن توسعه را یک «گفتمان قدرت» می‌داند که از جانب غرب جهت سلطه بر جهان سوم ساخته و پرداخته شده است.

۴- روش پژوهش

نوشتار حاضر بر اساس ماهیت و روش انجام پژوهش از نوع پژوهش‌های توصیفی – تحلیلی و از نظر هدف کاربردی می‌باشد؛ در بخش توصیفی داده‌های مرتبط با وضعیت کرمانشاه ارائه شده و با بهره‌گیری از آن پیامدهای الگوی مدرنیزاسیون توسعه در استان به تفصیل شرح داده خواهد شد و در بخش تحلیلی متغیرها همسو با چارچوب نظری تحقیق قرار گرفته و به تجزیه و تحلیل آن پرداخته است که چگونه الگوی توسعه غربی، با تأکید بر رشد اقتصادی، فناوری و صنعت؛ به جای حل مشکلات، منجر به وابستگی، تخریب محیط زیست و فرهنگ‌زدایی شده است. همچنین روش گردآوری داده‌ها و منابع مطالعاتی کتابخانه‌ای است. داده‌ها به صورت کتاب

و مقالات معتبر داخلی و خارجی و نیز داده‌های آماری از سایت‌های آماری معتبر کشور و استان؛ همچون سالنامه‌های آماری، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی سازمان منابع طبیعی، شرکت سهامی آب منطقه‌ای و غیره می‌باشد.

۵- پیامدهای الگوی مدرنیزاسیون توسعه در کرمانشاه

از اواسط قرن بیستم تصویر غالب تحول اجتماعی، در قالب «الگوی نوسازی» ترسیم شد که جوامع مختلفی را تحت تاثیر خود قرار داده و در این میان جامعه ایران نیز از قافله تغییر و تحولات در قالب تعقیب الگوی مدرنیزاسیون جا نماند. برخی از روشنفکران ایرانی آن دوران بر این باور بودند که لازمه محقق شدن دولت مدرن در ایران متمرکز ساختن منابع و ابزارهای قدرت، تأسیس ارتش مدرن، توسعه سیستم بوروکراسی و اصلاحات مالی و به عبارتی اجرای الگوی مدرنیزاسیون در ایران است. به همین دلیل دوره رضا شاه و محمدرضا شاه دوارن اقتباس از شیوه نوسازی به سبک غربی بود که تأثیرات فراوانی در دگرذیسی مکانیکی فرماسیون اقتصادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی ایران در پی داشت.

در کرمانشاه نیز با روی کار آمدن دولت پهلوی، برخی اقدامات عمرانی و اصلاحی مانند شهرسازی جدید و تأسیس راه‌های شوسه آغاز شد (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۵: ۷۳). البته برنامه‌ریزی توسعه در ایران به شکل رسمی، از سال ۱۳۲۵ و با هدف تقویت زیرساخت‌های عمرانی و صنعتی کشور، یا به عبارتی، به منظور نوسازی جامعه سنتی ایران آغاز شد و با اجرای انقلاب سفید در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی به اوج خود رسید (شهوند و سعیدی‌نیا، ۱۳۹۷: ۴۲-۴۱). به هر حال اقدامات نوسازانه در ایران تأثیرات زیادی بر استان کرمانشاه گذاشت؛ در این استان به تدریج ساختارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی کرمانشاه به سمت نوگرایی تضاد برانگیز سوق یافته و شاهد توسعه کمی در زمینه‌های صنعت سازی، شهرسازی، بهداشت، سکولاریزه شدن جامعه، افزایش کارخانه‌ها و بیمارستان‌ها، زوال نهادهای دینی بوده است که بالتبع موجبات نوعی آشفتگی و دوگانگی را در زیست مردم کرمانشاه به تدریج فراهم آورد و حتی مخالفت‌هایی را از سوی اقشار و صنوف مختلف در کرمانشاه که مدرنیزاسیون را خطری برای آینده هویت اقتصادی و اجتماعی خود می‌پنداشتند، در برداشت.

وضعیت توسعه در دوارن جمهوری اسلامی شکل و محتوای دیگری به خود گرفت؛ چرا که نظام جدید سیاسی مخالف توسعه به شکل غربی و شرقی بود و اصولاً شعار نه شرقی و نه غربی در همین راستا به صحنه آمد. با این وجود در عمل آنچه که در استان کرمانشاه بعد از انقلاب در حوزه توسعه تکوین یافت همان الگوی مدرنیزاسیون توسعه بود. اگرچه در سال‌های پس از انقلاب، سرعت توسعه در بخش‌های زیربنایی و عمرانی استان کرمانشاه مانند دیگر مناطق کشور، به دلیل موقعیت مرزی و تأثیر مستقیم از جنگ تحمیلی، روند کندی داشت (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۵: ۱۱۴). اما به هر صورت هم در دوره پهلوی و هم در دوره جمهوری اسلامی، سیاست‌های نوسازی چه آگاهانه و چه ناآگاهانه پیامدهای خواسته و ناخواسته فراوانی را برای جامعه کرمانشاه داشته است. از جمله این پیامدها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- افزایش جمعیت، گسترش بی رویه شهرنشینی و رواج حاشیه نشینی.
- تضعیف ساختار روستاها و مهاجرت روستاییان.
- توسعه ناموزون در ابعاد مختلف و مسأله فقر و بیکاری.
- مشکلات زیست محیطی.

۱-۵- افزایش جمعیت، گسترش شهرنشینی و حاشیه نشینی

طبق اولین سرشماری رسمی در ایران، میزان جمعیت شهری کشور در سال ۱۳۳۵ حدود ۳۱/۴ درصد بوده است اما رشد انفجاری جمعیت شهرنشین و رشد شتابان واقعی آن بعد از سال‌های ۱۳۴۵ آغاز می‌گردد که بازتاب واقعی - مدرنیزاسیون - اصلاحات ارضی و سرمایه‌گذاری‌های ملی و رشد سریع سرمایه‌گذاری‌ها در شهرها می‌باشد (شمس و ملک حسینی، ۱۳۸۹: ۹۷). با افزایش جمعیت نیاز به فضاهای زیستی و عملکردی برای ساکنان افزایش می‌یابد این افزایش جمعیت برای شهر کرمانشاه که اوج آن در بین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۶۵ بوده است توسعه فیزیکی شهر را منجر شده است (صفایی‌پور و دیگران، ۱۳۹۰: ۹). بنابه نتایج آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در آبان ماه سال ۱۳۹۵ جمعیت استان کرمانشاه برابر با ۱۹۵۲۴۳۴ نفر بوده است که در مقایسه با سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبان ۱۳۹۰ متوسط رشد سالانه جمعیت معادل ۰/۰۷ درصد بوده است. همچنین تعداد ۵۷۶۸۶۱ خانوار ساکن در استان وجود داشته که از این تعداد حدود ۷۶/۴ درصد در نقاط شهری و ۲۳/۴ درصد در نقاط روستایی و مابقی غیر ساکن بوده‌اند (سالنامه آماری استان، ۱۳۹۸: ۱۱۲).

شهرنشینی همزاد دیگر تجدد است؛ نبض شهر به صنعت و بازار بسته است (قاسم آباد سفلی و ذاکر، ۱۳۹۴: ۲۵). تا قبل از دوره رضاشاه، رشد شهر طبیعی بود و اندیشه‌های علمی و کارگزاران طراح، مهندس و تکنوکرات‌ها نقشی در شکل‌گیری آن نداشت. اما در دوره رضاشاه اغلب اقدامات عمرانی و خدماتی در کرمانشاه در راستای توسعه شهر انجام می‌گرفت (قلی‌پور، ۱۳۹۶: ۵۹). نوسازی دوره پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۳۰۰) سلسله‌ای از تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را به دنبال داشت که تأثیرات عمیق بر روند شهرنشینی برجای گذاشت. کرمانشاه نیز همچون بخشی از منظومه شهری کشور از این تحولات متأثر شد. سیاست اسکان اجباری عشایر، اصلاح و توسعه شبکه راه‌ها، وضع قوانین جدید از جمله قانون وظیفه اجباری و در پی آن آشنایی اقشار جوان روستایی با زندگی شهری، گسترش مراکز دولتی و شکل‌گیری صنایع و چندین عامل دیگر در این زمینه مؤثر بودند (ایراندوست و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۰).

در دهه ۴۰ و ۵۰، انقلاب سفید و اصلاحات مدرنیستی از بالا - رشد مهاجرت‌ها به شهرهای بزرگ در نتیجه تمرکز خدمات، صنایع و اداره‌ها در این شهرها بسیار چشمگیر بود و زمینه رشد و توسعه شهرهایی چون کرمانشاه که مرکز اداری و سیاسی بود، تشدید شد در دوران پس از انقلاب اسلامی نیز با وجود نزدیکی کرمانشاه به مرز، رشد سریع شهر کرمانشاه ادامه یافت و بخش عمده‌ای از مهاجران جنگی مناطق مرزی در این شهر سکونت یافتند (ایراندوست و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۰). شهر کرمانشاه، متأثر از روندهای نوسازی، به عنوان بزرگترین شهر در غرب ایران، طی سه دهه گذشته گسترش فیزیکی شهری وسیعی داشته و رشد نابسامان جمعیتی موجب تشدید و تسریع روند شکل‌گیری بافت‌های حاشیه‌ای در این شهر شده است (کریمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲).

در دوره‌های بعد از انقلاب اسلامی، به علت شرایط جنگ تحمیلی حجم عظیمی از ساکنان شهرهای مرزی به شهر کرمانشاه مهاجرت و باعث به وجود آمدن بیکاری عظیم و آلودگی نشینی در حجم وسیع شدند (صفایی‌پور و دیگران، ۱۳۹۰: ۹). به بیان دقیق‌تر در حال حاضر شهر کرمانشاه با چالش حاشیه‌نشینی روبه‌روست. وجود بیش از ۳۶ شهرک که اسکان در آن‌ها نامناسب و معیارهای شهرسازی و شهرنشینی به ندرت در آن‌ها قابل رویت است به یکی از چالش‌های اساسی پیش‌روی استان در آمده است (کریمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳). درصد جمعیت شهرنشین کرمانشاه بیش از استان‌های همجوار خود است. در همدان بیش از ۴۰٪ جمعیت کماکان در روستاها سکونت دارند. در واقع میزان رشد جمعیت روستایی کرمانشاه در منطقه غرب کشور طی سی سال اخیر همواره منفی بوده و نسبت به استان‌های پیرامون میزان شهرنشینی و به تعبیری حاشیه نشینی آن رو به افزایش بوده است (دانش‌نیا و محمدی‌فر، ۱۴۰۱: ۳۷۶). بنابراین حاشیه نشینی یکی از تبعات منفی سیاست‌های نوسازی و توسعه نامتوازن در کلیت ایران و به تبع در استان کرمانشاه

بوده و هست (سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ۱۳۹۵: ۵۳). بر اساس برآورد برخی مطالعات انجام شده هم اکنون ۴۰ درصد جمعیت شهر کرمانشاه در ۱۳ نقطه حاشیه‌ای شهر که در زمینه امکانات بهداشتی - درمانی، امنیتی و خدمات شهری با مشکلات جدی روبه‌رو هستند زندگی می‌کنند (فتاحی، ۱۳۹۵: ۶-۵). رشد آسیب‌های اجتماعی در شهر را می‌توان در پرتو تحول غیر ارگانیک یاد شده در حوزه توسعه و نوسازی شهری و روستای فهم نمود.

۲-۵- تضعیف ساختار توسعه روستایی و مهاجرت روستاییان

توسعه روستایی اصولاً مفهومی جدا از توسعه اقتصادی - اجتماعی در سطح کلان یک کشور نیست، بلکه جزئی از توسعه کلان ملی تلقی می‌گردد. اما تأکید اساسی آن عمدتاً معطوف به حل مسائل مرتبط با جامعه روستایی و تلاش در جهت محرومیت‌زدایی و کاهش فقر در این مناطق می‌باشد (بیرانوندزاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۶۹). در روند نوسازی، چشم‌اندازهای روستایی در ایران با همه سابقه و قابلیت خود، نتوانسته‌اند زمینه و بستر مناسبی جهت ماندگاری جمعیت در خود فراهم آورند. کاهش تأثیرگذاری و اعتبار روستاها در ابعاد مختلف طبیعی، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی و حتی کالبدی - در استان کرمانشاه - دلایلی بر این مدعا است (بدری‌فر و قنبری، ۱۳۸۴: ۳۷). بنابراین، عرصه‌های روستایی در استان کرمانشاه، در جایگاه بخشی از فضاهای جغرافیایی کشور، تحت تأثیر وجه غالب مدرنیته - مدرنیزاسیون - شاهد تحولات مکانی - فضایی در طول زمان در سطوح متفاوت بوده است. انقلاب سفید، اصلاحات ارضی، افزایش قیمت نفت و در کنار این روندها، تأکید بر سیاست‌هایی چون ایجاد و توسعه کشت و صنعت‌ها، یکپارچه‌سازی اراضی، تجمیع و ادغام سکونتگاه‌های روستایی، تهیه و اجرای طرح‌های روانبخشی، بهسازی و هادی - در کرمانشاه - از جمله عواملی هستند که متأثر از مدرنیزاسیون بود است (عزیزپور، ۱۳۹۴: ۳۹).

با گسترش صنعت و به‌ویژه احداث شهرک‌های صنعتی و افزایش واحدهای صنعتی پراکنده در محدوده شهر کرمانشاه و شهرستان‌های استان، روابط اقتصادی جدیدی در بین روستاهای و مراکز شهری حاکم شده است. از نظر مکتب نوسازی اقتصادی، رویکرد رایج این است که افزایش آهنگ یک الگوی صحیح توسعه صنعتی - شهری می‌تواند محدودیت‌های درونی و ذاتی توسعه روستایی را جبران و برطرف سازد با این وجود چیزی که هم اکنون در روستاهای استان کرمانشاه می‌توان مشاهده نمود تغییر و تحول در فرماسیون و کارویژه روستاها و تبدیل روستاها به محلی برای مصرف تولیدات شهری است (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۵: ۵۳). مطالعه آمارهای جمعیتی در استان کرمانشاه بیانگر این است که در مقاطع مختلف بخشی از جمعیت روستایی محل زندگی خود را ترک کرده و به شهر کرمانشاه یا تهران و غیره مهاجرت کرده‌اند. روند روستاگریزی و ترک شهرهای کوچک‌تر طی سال‌های اخیر نه تنها کاهش نیافته بلکه در مواردی شدت گرفته است. طی بازه زمانی ۱۳۷۵-۱۳۹۵ بیشترین تعداد مهاجران وارد شده به استان کرمانشاه از نقاط روستایی بوده که عمده‌ترین علل آن، عامل اشتغال، ادامه تحصیل، دستیابی به مسکن مناسب‌تر می‌باشد (ادهمی و دیگران، ۱۳۹۸: ۵۴). در واقع، همراه با برهم خوردن ساختار جمعیت به خصوص جمعیت فعال اقتصادی، ساختارهای اقتصادی روستا و عناصر آن دچار عدم تعادل گردید. امروزه روستاهای کشور از نیروهای تولیدکننده کافی بخصوص در زمینه کشاورزی برخوردار نیست. جاذبه‌های شهری که به‌ویژه در اثر نهادهای آموزشی و رسانه‌های مدرن فراهم آمده است از یک طرف و دافعه‌های روستایی از طرف دیگر، باعث روانه شدن این نیروها به شهر شده است.

۳-۵- توسعه ناموزون و شکل گیری پدیده فقر و بیکاری

از دیگر تبعات طرح های مدرنیزاسیون ظرف دهه های گذشته در استان کرمانشاه مسئله ای بنام «توسعه ناموزون» در این استان بوده است. میزان برخورداری نواحی مختلف استان از امکانات و شاخص های توسعه و به عبارتی، سطوح توسعه یافتگی متعادل و متوازن به نظر نمی رسد و تمرکز، تجمع و تراکم جمعیت و فعالیت های اقتصادی به شکل نامتوازن است (نظم فر و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۳۱). بنابراین، یکی از کاستی های اقتصاد کرمانشاه توسعه ناموزون و شکاف عمیق میان امکانات سرمایه گذاری و اشتغال در میان شهرستانهای استان است.

در تحلیل و سطح بندی درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان کرمانشاه، شهرستان های صحنه، کنگاور، پاره و قصرشیرین در سطح محروم و شهرستان های سنقر، هرسین، کرمانشاه، دلاهو، گیلانغرب، اسلام آباد غرب، روانسر، جوانرود، سرپل ذهاب و ثلاث باباجانی در سطح بسیار محروم قرار گرفته اند. به طور کلی استان کرمانشاه جزء استان های محروم کشور است و توزیع محرومیت آن نیز وضعیت نابرابری دارد. به عبارتی در این استان مرزی توسعه نابرابر شکل گرفته و بازتولید شده است با قرار گرفتن بیش از ۷۱ درصد جمعیت کل شهرستان ها در سطح بسیار محروم روند فعلی تحرک استان به ویژه با تداوم نرخ بالای بیکاری در بیش از یک دهه گذشته در جهت پایداری توسعه نبوده است (طیب نیا و فتاحی، ۱۳۹۸: ۲۷). بنا به گزارش سالانه مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری استان کرمانشاه در تابستان ۱۴۰۱، ۱۳/۶ بوده که از این میزان سهم جمعیت بیکار فارغ التحصیل آموزش عالی ۴۰/۹ درصد بوده است (دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری، ۱۴۰۱: www.amar.org.ir).

۵-۴- چالش های زیست محیطی

توسعه اقتصادی بدون توجه به توان زیست محیطی حتی اگر در کوتاه مدت امکان پذیر باشد، در بلند مدت با چالش مواجه شده و به ضد خود تبدیل می گردد. توسعه مقوله ای پیچیده و سازه ای چند بعدی است. در رابطه با وضعیت زیست محیطی کرمانشاه باید گفت، زیستگاه استان کرمانشاه به دلیل غفلت از توان محیطی استان در بارگذاری های صورت گرفته و ضعف در بهره برداری از منابع در وضعیت متعادلی قرار ندارد. از جمله مهم ترین مسائل و چالش های حوزه محیط زیست کرمانشاه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- افت قابل توجه سطح آب های زیرزمینی.
- ریزگردها.
- خشکیدگی و آفت جنگل های زاگرس.
- آلودگی روخانه های استان.
- تراکم جمعیت بیش از توان محیطی در مرکز استان و شکل گیری پدیده نخست شهری در استان.
- وضعیت نامناسب پسماندها و فاضلاب های شهری و روستایی.
- فرسایش خاک.
- آلودگی هوای شهر کرمانشاه (فتاحی، ۱۳۹۵: ۲۱-۱۸).

۶- پساتوسعه‌گرایی و امکان برون رفت از تنگنای توسعه‌ای استان کرمانشاه

نقد رهیافت مدرنیزاسیون در حوزه توسعه به معنای رها کردن جامعه و بی توجهی به حیات شهروندان نیست. بلکه ضرورت اندیشیدن به کیفیت زندگی مردمان بر اساس ارزش‌ها، هنجارها، اقتضائات و نیز ظرفیت‌های اکوسیستم موجود است. به عبارتی، مشکلات کرمانشاه بر اساس رویکرد پسا توسعه تنها به دلیل کمبود سرمایه یا عقب‌ماندگی تکنولوژیک نیست، بلکه می‌توان گفت نشأت گرفته از پذیرش کورکورانه مدل‌های توسعه‌ای است که بافت اجتماعی، فرهنگی و اکولوژیکی منطقه را نادیده گرفته‌اند. بایسته‌های تطبیق مضامین و مفروضات رویکرد اخیر به توسعه در زیست بوم استان کرمانشاه را می‌توان بر اساس محورهای زیر انضمامی نمود.

۶-۱- توسعه کشاورزی و دامداری بر اساس شرایط اقلیمی و زیست محیطی

طی سال‌های متوالی استان کرمانشاه در حوزه کشاورزی و دامداری همواره با چالش‌های زیست‌محیطی و اقلیمی جدی مواجه بوده است. از جمله کاهش منابع آبی، خشکسالی‌های پی‌پی و فرسایش خاک به دلیل حاکم بودن الگوهای توسعه‌ای غالب و تأکید بر تک-کشتی، استفاده زیاد از سموم شیمیایی و کودها در کشاورزی و همچنین صنعتی‌سازی دامداری بوده است؛ که پساتوسعه این الگوها را به چالش کشیده و بخشی از مشکل می‌داند نه یک راه حل.

استدلال رویکرد پساتوسعه این است که به ویژه در حوزه کشاورزی، مفهوم توسعه ابزاری برای تحمیل مدل‌های صنعتی غربی به جوامع بومی بوده است (Escobar, 1995). رویکرد توسعه، سیستم‌های معیشتی سنتی و دانش کشاورزی بومی را نادیده گرفته و به ترویج وابستگی به نهاده‌های خارجی، بذره‌های هیبرید و بازارهای جهانی پرداخته است در حالی که پساتوسعه به دنبال عبور از پارادایم توسعه صنعتی و جایگزین‌های توسعه بر اساس شرایط اکولوژیک و بومی هر منطقه است (Sachs, 1992). حدود ۲۵٪ جمعیت استان کرمانشاه، روستایی است. گستره جغرافیایی وسیع و متنوع و داشتن ۳۰٪ اشتغال در بخش کشاورزی با حدود ۶۴۱۲۴۲ هکتار زمین‌های زیر کشت انواع محصولات کشاورزی، قابلیت خاصی در این حوزه برای حل و فصل تنگنای حیات اقتصادی- اجتماعی استان ایجاد کرده است (حیدری‌ساربان و دیگران، ۱۳۹۷: ۶۲). تنوع اقلیمی موجود در استان موجب شده که امکان کشت انواع محصولات کشاورزی وجود داشته باشد؛ به گونه‌ای که علاوه بر غلات و حبوبات و گندم، جو، نخود، لوبیا، عدس، باقلا و ماش، انواع دانه‌های روغنی، سویا، آفتابگردان و کنجد، انواع سبزیجات، چغندر قند، سیب‌زمینی، پیاز و گوجه فرنگی و صیفی‌جات مختلف در استان به عمل آید. همچنین میوه‌های خاص مناطق کوهستانی نظیر گیلاس، آلبالو، هلو، زردآلو، شلیل و نیز مغزجات متنوع و میوه‌های نیمه گرمسیری همچون خرما، مرکبات، زیتون، انار و انجیر هر چند به مقدار کم تولید می‌شوند (رنانی و محمدی، ۱۴۰۰: ۸۴). علی‌رغم این وضعیت، طی سالیان سال و بر اساس الگوی توسعه غربی و توجه ناچیز به شرایط اقلیمی و اکولوژیک استان؛ به جای توجه و تمرکز بر انتخاب گونه‌های گیاهی و دام‌هایی با نژاد مقاوم در برابر خشکی، به الگوهای تک‌کشتی گسترده و آب‌بر و کشت چند باره محصول در طی سال، روی آورده و با رضایت به بهره‌وری و افزایش برداشت موقت محصولات؛ باعث هدررفت منابع آبی و فرسایش خاک در دراز مدت شده است. الگوی توسعه غربی در حوزه دامداری نیز با تأکید بر تولید صنعتی و ترویج نژادهای پربازده خارجی منجر به حذف تدریجی نژادهای بومی و وابستگی به نهاده‌های وارداتی و تقبل هزینه‌های بیش‌تر شده است.

۶-۲- کسب و کارهای خانگی و صنایع دستی

بسیاری از تلاش‌ها در استان کرمانشاه جهت دستیابی به توسعه، تأکید بر صنایع سنگین و ایجاد کارخانه‌های بزرگ بوده و کسب و کارهای سنتی و خانگی تا حدودی نادیده گرفته شده‌اند، در حالی که الگوی پساتوسعه آن را به عنوان ستون اصلی اقتصاد محلی می‌-

بیند. از جمله صنایع دستی و مشاغل بومی استان کرمانشاه که از دیرباز رواج داشته است و آنچنان که باید مورد بهره‌وری قرار نگرفته است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: جاجیم بافی که در بین خانواده‌های روستایی و عشایر استان کرمانشاه رواج داشته است، گلیم بافی که از صنایع دستی خانگی است و در بیشتر نقاط استان به ویژه شهرستان هرسین از شهرت خاصی برخوردار است، موج بافی، از هنرهای خانگی است که در اورامانات رواج دارد و در جوانرود این صنعت شکل کارگاهی دارد. گیوه‌کشی یا در اصطلاح محلی کلاش، که مراکز ساخت آن در شهرستان های پاوه، هرسین و کرمانشاه است. پیچ بافی یا حصیربافی، قلم زنی که الهام گرفته از آثار تاریخی دوره هخامنشی و ساسانی است و متقاضیان جهانی هم دارد. ابزارهای فلزی همچون کارگاه‌هایی که به ساخت وسایل فلزی و ابزار کار فعالیت دارند که کارگاه‌هایی در کرد و کرمانشاه در ساخت وسایل کار و شکار، چاقو، کارد فعالیت دارند. و نیز قالی‌بافی که از سال‌ها پیش در میان روستاییان کرمانشاه رواج داشته و امروزه به ویژه در اکثر روستاهای سنقر، صحنه، کنگاور، دینور و بیستون قالی‌بافی دایر است و نیز در میان عشایر منطقه غربی کرمانشاه و به ویژه ثلاث باباجانی در کنار گلیم و سایر دست‌بافت‌ها قالی هم بافته می‌شود (الله‌ویردی خسروی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۰-۱۷). در ایران قانون ساماندهی و حمایت از کسب و کارهای خانگی مصوب ۱۳۸۹ مجلس شورای اسلامی، گسترش کسب و کارهای خانگی را به عنوان یکی از سیاست‌های اشتغالزایی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی دنبال کرد. به‌رغم مزایای مثبت کسب و کارهای خانگی، این طرح آن‌گونه که شایسته است، در کشور نتوانسته به جایگاه قابل قبولی دست یابد، عواملی مانند عدم پایداری فعالیت‌های منفرد، جزیره‌ای عمل کردن کسب و کارهای خانگی، ضعف زیرساخت‌های فرهنگی، نبود قوانین حمایتی مناسب، عدم توجه به نیازهای بازار، نبود سرمایه‌گذاری کافی، عدم شناخت کافی از اصول بازاریابی، همگی منجر به کاهش سطح مقبولیت این نوع کسب و کارها شده‌اند که استان کرمانشاه نیز از این قاعده مستثنی نیست. این استان با جمعیتی حدود ۲ میلیون نفر و با دارا بودن ظرفیت‌های طبیعی، انسانی، فرهنگی و تاریخی و نیز موقعیت استراتژیک مرزی، همچنان بالاترین نرخ بیکاری را در کشور دارد (نادری و امیری، ۱۳۹۷: ۱۸).

۶-۳- گردشگری و بوم‌گردی در شهرستان‌ها و روستاها

امروزه گردشگری یکی از امیدبخش‌ترین فعالیت‌هایی است که از آن به‌عنوان گذرگاه توسعه یاد می‌کنند (طهماسبی‌زاده و کریمی اورگانی، ۱۳۹۷: ۳۷۱). استان کرمانشاه به واسطه دارا بودن مناظر طبیعی چشم‌انداز، قدمت تاریخی، اماکن زیارتی، قرارگیری بر سر راه ابریشم و همچنان قرار داشتن در خط مقدم دفاع مقدس، دارای مکان‌های متنوع گردشگری است. از جمله نقاط گردشگری استان کرمانشاه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: طاق بستان، کاروانسرای ماهیدشت، گور دخمه اسحاق‌وند، بقعه مالک، معبد آناهیتا، مجسمه هرکول، روستای هجیج، غار قوری قلعه، گور دخمه دیره، آبشار پیران، سراب دربند صحنه و آتشکده چهارقاپی و غیره (ملکی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۶-۶). در مجموع ۳۶۰۰ اثر تاریخی در استان شناسایی شده است که از این تعداد تا کنون ۱۹۳۶ اثر در فهرست آثار ملی و مجموعه تاریخی «بیستون» در فهرست آثار جهانی به ثبت رسیده است (پوراحمد و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۳). از دیگر نمونه‌های گردشگری در کرمانشاه، گردشگری پزشکی، مذهبی و فرهنگی است که منبعی اقتصادی برای این استان محسوب می‌شوند. با این وجود، امکانات موجود در کرمانشاه در این زمینه بسیار محدود است که همین مسأله سبب توسعه نه چندان مطلوب این صنعت در کرمانشاه (نسبت به ظرفیت‌های مطلوب آن) شده است (رنانی و محمدی، ۱۴۰۰: ۸۶-۸۵).

همچنین، استان کرمانشاه در بحث گردشگری طبیعی از قابلیت زیادی برخوردار است. بیش از نیمی از وسعت استان را کوه‌های مرتفع پوشانده است. رشته کوه زاگرس، به صورت مجموعه‌ای از رشته‌کوه‌های موازی، با دشت‌های مرتفع کوهستانی، پوشش گیاهی متنوع شامل جنگل‌های بلوط، ون و مراتع و چمن‌زارهای سرسبز و چشمه‌سارها و سراب‌های فراوانی را به وجود آورده است؛ از این رو

سراسر استان، چشم‌اندازهای طبیعی دلپذیری دارد که از جمله می‌توان به دالاهو، شاهو، پرآو با مناظر زیبا و دلنشین آن‌ها اشاره کرد. سراب‌ها و چشمه‌های پر آب هم‌چون سراب نیلوفر، طاق بستان، صحنه، هرسین، خضر زنده و خضر الیاس و تالاب هشیلان، وجود غارهایی مانند قوری قلعه و چشمه سهراب، از جمله مناطق جاذب و مستعد برای امر گردشگری در استان کرمانشاه به شمار می‌روند (ملکی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۶-۶). که ظرفیت بالقوه‌ای جهت توسعه گردشگری و بویژه بوم‌گردی ایجاد کرده است. رویکرد پساتوسعه با انتقاد به الگوی توسعه غربی که اغلب به صورت محض بر رشد اقتصادی تأکید داشته و کم‌تر بر ابعاد فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی توجه می‌کند؛ بر حفظ اصالت طبیعی و فرهنگی و مشارکت جامعه محلی و ظرفیت‌های بومی تأکید دارد. بنابراین، به نظر می‌رسد به کارگیری این رویکرد مشکلات نشأت گرفته از الگوی توسعه غربی را تا حدود زیادی حل کند. از جمله کاهش نیاز به سرمایه‌گذاری کلان دولتی با ایجاد کسب و کارهای کوچک محلی و بوم‌گردی با استفاده از ظرفیت بافت سنتی و روستاها، کاهش وابستگی به دولت با توانمندسازی سازمان‌های مردم‌نهاد و جامعه محلی، ایجاد منافع اقتصادی با احترام به فرهنگ محلی و حفظ محیط زیست، کاهش مهاجرت از روستا به شهر و بیکاری از طریق بوم‌گردی و فرصت‌های جدید شغلی در روستاها.

۶-۴- مدیریت مصرف آب و جلوگیری از آلودگی آب‌ها

در رابطه با منابع آبی استان باید گفت این منابع به دو دسته آب‌های سطح الارضی و حوزه آبریز داخلی تقسیم می‌شود. مجموع میزان بارندگی سالانه بالغ بر ۱۱ میلیارد متر مکعب می‌رسد. بخشی از این آب‌های سطح‌الارضی به‌لایه‌های زیر زمینی نفوذ کرده یا تبخیر می‌شود و بخشی از آن به صورت آب‌های جاری، رودخانه‌های متعددی را در استان تشکیل می‌دهند. حوزه آبریز داخلی شامل حوزه علیای کرخه است که آن را حوزه سیمره نیز می‌نامند. این حوزه شامل شهرستان‌های کرمانشاه، اسلام آباد غرب، کنگاور و روانسر است. رودخانه‌های این حوزه عبارتند از: رود دینور، خرم رود، گاماسیاب، رودخانه میرگ، رودخانه رازآور، رودخانه قره سو، رودخانه راوند. همه رودخانه‌های حوزه آبریز خارجی وارد کشور عراق می‌شوند، رودخانه‌های گاوهرود، سیروان، زمکان، آب هواسان، الوند و کنگیر و همچنین سراب‌های مهم استان (شرکت سهامی آب منطقه‌ای کرمانشاه، ۱۴۰۰: www.kshrw.ir). لکن، طی خشک‌سالی سال‌های اخیر این رودخانه‌ها و سراب‌ها با مشکلاتی مواجه شدند و در برخی موارد حتی ماه‌هایی از سال دچار کم‌آبی شدید و یا خشکی بوده و مناطقی از استان با خطر فرونشست زمین مواجه شده است. در یک بازه زمانی ۲۲ ساله در شرق شهر کرمانشاه، افت آب‌های زیر زمینی در جنوب و شرق روستای ده‌پهن زیاد و به میزان ۳۸ متر بوده که خطر پدیده فرونشست در این منطقه را افزایش داده است. دلیل افت زیاد آب هم استفاده بی‌رویه از منابع آب زیر زمینی در بخش شرب می‌باشد به طوری که افت آب در حوالی روستای ده‌پهن و نوکان، محل تجمع چاه‌های شرب شهر کرمانشاه، بیش از منطقه سراب نیلوفر، از قطب‌های کشاورزی دشت کرمانشاه است (ملکی و رضایی، ۱۳۹۵: ۲۳۵ - ۲۴۸).

مشکل دیگر کسری منابع آب زیرزمینی است که از جمله عواملی آن حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق غیر مجاز جهت مصارف کشاورزی است. با در نظر گرفتن این موضوع مدیر عامل شرکت آب منطقه‌ای کرمانشاه، از بستن ۴۶ حلقه چاه غیر مجاز در مرکز استان خبر داد و گفت: با مسدود شدن این تعداد چاه از برداشت غیر مجاز ۲ میلیون متر مکعب از منابع آب زیرزمینی جلوگیری شد. برداشت بی‌رویه آب سبب افت سطح آب‌های زیر زمینی شده و کاهش سطح آب زیر زمینی خطرات و عواقب جبران‌ناپذیری از جمله ایجاد فروچاله، فرونشست زمین، شور شدن آب و کاهش کیفیت آب را در پی دارد (www.irna.ir, 1399). در رابطه با آلودگی آب‌های جاری در استان نیز باید اشاره کرد که بنا به اظهارات سرپرست اداره کل حفاظت از محیط زیست کرمانشاه؛ فاضلاب‌های شهری و روستایی وارد تمام رودخانه‌های استان می‌شود اما میزان آلودگی در آن‌ها متفاوت است. به‌عنوان مثال آلودگی در قره‌سو به

بیشترین میزان و در سیروان به کمترین میزان می‌رسد. به گفته وی اکنون هشت تصفیه‌خانه فاضلاب در کرمانشاه فعال است و تنها می‌تواند ۴۳ درصد فاضلاب جمعیت ۲ میلیون نفری استان را تصفیه کنند و مابقی بدون تصفیه شدن به رودخانه‌ها سرازیر می‌شود (۲۸ دی ماه ۱۴۰۰: www.irna.ir). باید گفت: عبور از این تنگناها با مدل توسعه غربی که خود منشأ بسیاری از این مشکلات است، به آسانی قابل حل نیست. بنا به وضعیت یاد شده، به نظر می‌رسد الگوی توسعه غربی که بر افزایش عرضه آب از طریق حفر چاه‌های عمیق و احداث سدها تأکید دارد، به آسیب‌های زیست محیطی و کاهش سطح آب‌های زیرزمینی می‌انجامد. حال آنکه بنا به الگوی پساتوسعه با اصلاح الگوهای مصرف آب و مدیریت تقاضا به جای تأکید بر محصولات آب‌بر؛ باید سراغ محصولات بومی و مقاوم به خشکی رفت. در رابطه با مبحث آلودگی آب‌های استان نیز که راهکار مدل توسعه غربی برای استان ساخت تصفیه‌خانه‌های صنعتی بوده که بسیار هزینه‌بر می‌باشد که بنا به رویکرد پساتوسعه جهت سازگاری بیشتر با اکوسیستم منطقه و نیز صرفه اقتصادی بیشتر، جهت تصفیه پساب‌ها می‌توان از تالاب‌های مصنوعی و فیلتراسیون با گیاهان محلی به عنوان یکی از روش‌های طبیعی استفاده کرد.

۶-۵- حفاظت و گسترش جنگل‌ها و مراتع با کمک نیروهای محلی

کرمانشاه به لحاظ دارا بودن منابع طبیعی، یکی از ثروتمندترین استان‌های ایران محسوب می‌شود. این استان به دلیل داشتن اقلیم-های آب و هوایی مختلف، منابع طبیعی متعددی دارد که می‌توانند بستری مطلوب برای توسعه‌یافتگی در ابعاد مختلف فراهم آورند (رنانی و محمدی، ۱۴۰۰: ۹۷). بیش‌تر نواحی کوهستانی استان کرمانشاه پوشیده از جنگل‌های تنک و عمده آن‌ها در شهرستان-های اسلام‌آبادغرب، گیلان‌غرب، پاره و کرمانشاه قرار گرفته و از جامعه بلوط ایرانی تشکیل شده‌اند. مراتع استان هم شامل دو قسمت بیلاقی و قشلاقی است که شامل مراتع مشجر و پوشش علوفه‌ای اراضی جنگلی نیز می‌شود. مراتع قشلاقی با سطحی وسیع محدوده غرب استان شامل قصرشیرین، سرپل‌ذهاب، سومار، نفت شهر، و گیلانغرب را می‌پوشاند. مراتع بیلاقی هم شامل صحنه، کنگاور، سنقر، پاره، کرمانشاه و اسلام‌آبادغرب است که پوشیده از مرتع و جنگل‌های متنوع است (سالنامه آماری استان کرمانشاه سال ۱۳۹۷، ۱۳۹۸: ۳۲). بر اساس نقشه‌های هوایی مساحت این مراتع و جنگل‌ها حدود ۸۰۰۰۰۰ هکتار است که عمدتاً از انواع بنه و بلوط تشکیل شده است که به عنوان مرتع در برخی مناطق مورد استفاده قرار می‌گیرد. میزان تولید علوفه از این مراتع هم به ۹۶۸۰۰۰ تن می‌رسد که تعداد دام‌های استان بسیار بیش‌تر از ظرفیت مراتع آن است و به واسطه تخریب طی سال‌های طولانی، به صورت پوششی تنک از زمین‌های زراعی و مراتع در آمده که بیش از ۹۰ درصد تخریب طبیعت دارای ریشه انسانی است (حجاریان، ۱۴۰۰: ۶۸۹-۶۸۸).

از جمله تهدیداتی متوجه این جنگل‌ها و مراتع می‌باشد؛ فرسایش خاک، تخریب جنگل‌ها به دلایلی چون چرای بیش از حد دام، برداشت بی‌رویه جهت تولید ذغال، آتش‌سوزی‌های سال‌های اخیر که آسیب‌های جبران‌ناپذیری به جنگل‌ها و مراتع استان وارد ساخته است و نیز پدیده ریزگردها که طی چند دهه اخیر گریبان‌گیر جنگل‌ها و پوشش گیاهی استان شده است که اکثر این موارد عمدتاً نشأت گرفته از الگوی غربی توسعه هستند که منجر به بهره‌برداری بیش از حد از منابع طبیعی شده و از پیامدهای اجتماعی و زیست محیطی آن غافل است. لذا می‌بایست به دنبال راهکارهایی در قالب رویکرد پساتوسعه از جمله: احیای مراتع و جنگل‌ها با ترویج کشاورزی ارگانیک و کاشت گونه‌های سازگار با منطقه همچون بلوط و ... از طریق مشارکت جوامع محلی در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد یا به شکل شورایی بود.

۶-۶- تولید و صادرات محصولات گلخانه‌ای

برای استان کرمانشاه که طی سال‌های متمادی با محدودیت منابع آبی و درصد بالایی از بیکاری مواجه شده است، رویکرد پساتوسعه بر خلاف مدل توسعه غربی که متکی به صنایع بزرگ و واردات فناوری می‌باشد؛ با تأکید بر تولید و صادرات محصولات گلخانه‌ای و بهره‌وری از منابع محلی و بومی، می‌تواند الگوی مؤثرتری باشد و به توسعه‌ای عادلانه، پایدار و سازگار با شرایط بومی استان بینجامد.

رئیس سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی کرمانشاه آذر ماه ۱۴۰۰، با بیان اینکه ما برای رهایی از بحران کم آبی راهی جز توسعه کشت‌های گلخانه‌ای نخواهیم داشت، اظهار داشت: «پراکندگی، تعدد و تضاد قوانین، مانع اصلی تولید و ایجاد اشتغال پایدار در استان کرمانشاه است و خواستار رفع موانع موجود در مسیر توسعه کشت‌های گلخانه‌ای شد. وی همچنین توسعه این روند را به شدت نگران کننده اعلام کرد و بیان داشت: سطح زیر کشت گلخانه در سال جاری نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۷۰ درصد کاهش یافته است (سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان کرمانشاه، آذر ماه ۱۴۰۰: agriksh.ir). در حال حاضر طرح بزرگترین گلخانه یکپارچه هیدروپونیک غرب کشور در شهرستان اسلام‌آباد غرب، توسط سازمان اقتصادی کوثر؛ یکی از سازمان‌های سرمایه‌گذار بخش خصوصی، در دست ساخت است که بهره‌برداری از آن در تحقق اهداف تولید محصولات صیفی در استان کرمانشاه و نیز صادرات به خارج از کشور، اشتغالزایی و محرومیت‌زدایی استان کمک شایانی می‌کند (شرکت پیشگامان توسعه کشاورزی کوثر، ۱۴۰۲: <http://kpadco.com>). از مزایای بکارگیری رویکرد پساتوسعه در این زمینه مصرف بهینه آب و بهره‌وری بیش‌تر نسبت به الگوهای پیشین، ایجاد فرصت‌های شغلی مردم بومی استان، کاهش ریسک اقتصادی در برابر نوسانات بازار با ایجاد تنوع در تولید، کاهش مهاجرت از روستا به شهر و رونق اقتصادی با صادرات محصولات محلی به کشور همجوار یعنی عراق می‌توان اشاره کرد.

۶-۷- رونق بخشی به ورزش‌های بومی و سنتی

ورزش‌های سنتی و بومی را می‌توان به عنوان یک استراتژی فرهنگ محور و پساتوسعه‌ای در نظر گرفت که با ایجاد فرصت‌های اقتصادی پایدار، تقویت هویت فرهنگی و توانمندسازی جامعه محلی منجر به توسعه‌ای بومی‌گراتر و مستقل‌تر در آینده‌ای نه چندان دور شود. این مهم از طریق احیا، سازماندهی و بازاریابی ورزش‌های سنتی از طریق افراد محلی می‌تواند صورت بگیرد. طی سال‌های اخیر در کشورهای مختلف تأکید بر ورزش‌های سنتی و بومی به عنوان یکی از مهم‌ترین راهکارهای توسعه توریسم ورزشی با اهداف اقتصادی و سیاسی مطرح شده است. استان کرمانشاه نیز با دارا بودن مردمانی با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم متنوع و غنی، همچون دیگر اقوام و نژادهای ایرانی بازی‌های بومی و محلی متنوعی وجود دارد که یادآور زیرساخت‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، آموخته‌های افراد جامعه در طول حیات و موقعیت و رویدادهای تاریخی و هنری ناشی از فرهنگ و آداب و سنن جامعه که به‌منظور آمادگی جسمانی، گذراندن اوقات فراغت، تقویت حافظه و هوش، و انجام مراسم آیینی، نیایش، رزمی در مراسم عروسی، شب‌نشینی‌ها، قبل و بعد کاشت و برداشت محصولات کشاورزی، جشن‌های خرمن، مهرگان و غیره، در میان مردم روستایی مرسوم بودند که با تغییراتی به نسل‌های بعدی انتقال یافته و به‌صورت امروزی در آمده‌اند (پاپ‌زن و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۸).

۶-۸- ظرفیت‌های مناطق میان مرزی

هرچند شهرهای مرزی استان کرمانشاه دارای ظرفیت قابل توجهی در ابعاد ساختار اقتصادی‌شان هستند اما در این زمینه، متأثر از مؤلفه مرزی بودن و نیز عدم بهره‌گیری از این موقعیت، استفاده لازم از آن، به‌عمل نیامده است؛ برای مثال، از مجموع ۱۴ شهر اصلی

استان کرمانشاه، ۱۰ شهر در بخش کشاورزی دارای اقتصادی پایه‌ای هستند که سهم شهرهای مرزی ۲۰ درصد، در بخش صنعت، ۲ شهر دارای اقتصادی پایه‌ای می‌باشند که سهم شهرهای مرزی ۵۰ درصد و در بخش خدمات، ۶ شهر دارای اقتصادی پایه می‌باشند که سهم شهرهای مرزی ۶۷ درصد می‌باشد. این آمار و ارقام حاکی از وضعیت و زیرساخت های اقتصادی مطلوب شهرهای مرزی در بخش های صنعت و خدمات می‌باشد اما مزیت‌های این بخش نادیده همواره مغفول واقع گردیده است (ابراهیم‌زاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۸). مناطق ویژه مرزی از جمله ظرفیت‌هایی است که در قالب تحرک در اقتصاد منطقه‌ای، برقراری ارتباط تجاری بین‌المللی و نقش آفرینی در تولید، پردازش و صادرات کالا، تشویق سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، صادرات مجدد و انتقال کالا، در محدوده‌ای از سرزمین اصلی ایجاد می‌شوند و استان کرمانشاه با موقعیت استراتژیکی خود در همسایگی عراق، از این حیث توانمندی و ظرفیت قابل توجهی دارد.

توسعه روابط ایران و عراق در بستر تعاملات اقتصادی- سیاسی میان مرزی دو کشور علاوه بر بهبودی روابط دوستانه‌تر، دروازه جدیدی برای کشورهای همسایه مانند عراق و یا دیگر کشورها خواهد بود. از نظر ارتباطی با در نظر گرفتن راه آهن غرب یعنی کرمانشاه و خسروی می‌توان چشم انداز اتصال اقتصاد ملی و محلی به بازارهای منطقه ای و جهانی را متصور بود. این امر از طریق اتصال خطوط جاده‌ای و ریلی ایران به عراق بخصوص اقلیم کردستان و مراکز تجاری و بازارهای آن و از آنجا نیز به بنادر مهم کشورهای مانند سوریه می‌شود (خالقی‌نژاد، ۱۴۰۰: ۱). همچنین، می‌توان به دیگر ظرفیت‌های مرزی استان کرمانشاه ارتباط بازارچه مرزی با توسعه به شرح زیر اشاره نمود:

- کاهش بیکاری پنهان و آشکار استان با ایجاد اشتغالی سالم در امر مبادله در اشکال مختلف.
- سامان‌دهی به مبادلات غیررسمی رایج در منطقه برای کالاهایی که از کشورهای همجوار وارد می‌شود.
- افزایش سطح رفاه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی استان از طریق مبادلات مرزی مشروع (حشمتی‌جدید و دیگران، ۱۴۰۰: ۵۳). با این حساب، در مجموع از طریق مشارکت جوامع محلی و استفاده از دانش بومی در فرایند تصمیم‌گیری، می‌توان متناسب با واقعیت‌ها و نیازهای منطقه مدل توسعه مناسب طراحی کرد. که رویکرد پساتوسعه با تأکید بر اقتصادهای خرد معیشتی و بومی به جای توجه صرف به ترانزیت کالاهای صنعتی بزرگ و نفت، بازاریابی محصولات محلی و حمایت از تعاونی‌های محلی و استفاده از سازمان‌های مردم‌نهاد و نخبگان محلی و بهره‌گیری از تبادلات فرهنگی و هنری مشترک با کشور همجوار از طریق برگزاری نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های و گردشگری زیارتی و غیره؛ وضعیت مناسب‌تری نسبت به شرایط کنونی استان رقم بزند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر واکاوی دشواره توسعه نیافتگی استان کرمانشاه و ارائه راهکارهای بدیل برای حل این مسأله بود. اینکه چگونه کاربست الگوی مدرنیزاسیون توسعه به مشکلاتی همچون مهاجرت فزاینده، حاشیه‌نشینی گسترده، توسعه نامتوازن و تخریب محیط زیست و غیره منجر شد. مقاله جهت تشریح این مسائل با تکیه بر چارچوب نظری پساتوسعه‌گرایی به عنوان یک رهیافت متفاوت در حل این مشکلات؛ اثبات کرد که اتکا به توانمندی‌های درونی استان و بومی‌سازی توسعه راهکار برون رفت از این تنگنا می‌باشد. همچنین شواهدی مبنی بر ناکارآمدی الگوی مدرنیزاسیون در توسعه استان کرمانشاه مطرح کرد. از جمله اینکه، این الگو به جای اشتغال پایدار بر تمرکز صنعتی و شهری تأکید دارد که منجر به از بین رفتن مشاغل سنتی و وابسته به محیط زیست شد. همین عامل جمعیت روستایی را به سمت حاشیه شهرها سوق داد و باعث تشدید تخریب منابع طبیعی و آلودگی زیست محیطی شد. مجموع این

پیامدها بیانگر این است که توسعه خطی، غیر بومی و تحمیلی به جای حل مشکلات، خود به معضلی جدید تبدیل شده است. پژوهش حاضر با الهام از نظریه پساتوسعه‌گرایی نظریه پردازانی چون اسکوبار، رهنما و ساچز نشان داد که توسعه یک فرایند خودجوش از پایین به بالاست که می‌بایست با توجه به فرهنگ، اجتماع، اقتصاد و زیست‌بوم هر منطقه حاصل شود و در واقع رویکرد پساتوسعه، در تضاد با نظریات توسعه؛ بر مفاهیم «استقلال محلی»، «خودکفایی» و «کرامت انسانی» تأکید دارد.

بدین جهت، رویکرد پساتوسعه در پژوهش حاضر، مجموعه‌ای از راهکارهای عملی و بومی در حوزه‌های مختلف برای آینده کرمانشاه پیشنهاد می‌دهد. در حوزه دامداری و کشاورزی این رویکرد ضمن تأکید بر شرایط اقلیمی استان، به جای تحمیل الگوهای صنعتی، بررسی‌ستیم کشاورزی بومی و ارگانیک سازگار با اقلیم منطقه تمرکز دارد. در حیطة کسب و کارهای خانگی و صنایع دستی، علاوه بر اشتغال‌زایی به حفظ هویت فرهنگی و هنری استان نیز تأکید دارد و قدمت دیرینه صنایع دستی استان کرمانشاه خود می‌تواند یک مزیت رقابتی محسوب شود. همچنین، رویکرد پساتوسعه در رابطه با مبحث بوم‌گردی و گردشگری؛ به جای ساخت هتل‌های بزرگ، بر خانه‌های گردشگری و بوم‌گردی مبتنی بر فرهنگ و طبیعت استان متمرکز است چرا که علاوه بر درآمدزایی در انتقال فرهنگ محلی و حفظ محیط زیست نیز راهگشاست. پساتوسعه راهکار مدیریت منابع آبی را تکیه بر دانش بومی و مشارکت با جوامع محلی می‌داند تا از تشدید بحران‌های زیست محیطی جلوگیری کند. به همین دلیل به جای تأکید بیش از حد بر احداث سد‌ها و حفر چاه‌های عمیق؛ به دنبال اصلاح الگوی مصرف آب و الگوی کشت با محصولات بومی و مقاوم می‌باشد. رویکرد پساتوسعه در حیطة جنگل‌ها و مراتع نیز به جای بهره‌برداری بیش از حد از منابع مذکور، به دنبال احیای آن‌ها از طریق کاشت گونه‌های سازگار با اقلیم منطقه و ترویج کشاورزی ارگانیک با همکاری و مشارکت جوامع محلی است. نگاه پساتوسعه به ورزش‌های بومی و سنتی نیز یک استراتژی فرهنگ‌محور می‌باشد که می‌تواند ضمن ایجاد فرصت‌های اقتصادی؛ همبستگی اجتماعی را تقویت کند. همچنین پساتوسعه مرزهای موجود استان را نه یک تهدید بلکه استفاده از این ظرفیت را به عنوان یک فرصت جهت مبادلات فرهنگی و تجارت با کشور همجوار می‌داند.

منابع

ابراهیم‌زاده، ع. ، ۱۳۹۱. مقایسه تطبیقی ساختار اقتصادی اشتغال در شهرستان‌های مرزی با غیرمرزی در استان کرمانشاه بر اساس ضریب مکانی (L.Q)، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
الیاسی سرزلی، ف، پژهان، ع و موسایی، م. ۱۳۹۶. تفسیر معنایی توسعه‌نیافتگی استان کرمانشاه با تأکید بر دیدگاه صاحبان شرکت‌ها و کارگاه‌های شهرک‌های صنعتی این استان. فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران. ۸(۲). ۱۴۷-۱۲۷.

https://ijsp.ut.ac.ir/article_html۶۵۰۵۶

اسکوبار، آ. ۱۴۰۰. مواجهه با توسعه، مترجم: مهدی اکبری گلزار، تهران: انتشارات گل‌آذین، چاپ دوم. ۴۰۰ ص.
احمدی قاسم آبادی، ی و گ ، ذاکراف. ۱۳۹۳. بررسی مشکلات فرایند مدرنیزاسیون در ایران معاصر و اثرات آن بر جهانی شدن، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۱ (۳۰)، ۷-۳۴. <https://psq.karaj.iau.ir>

احمدی، و. کریمی، ج. ۱۴۰۱. پژوهشی کیفی در موانع توسعه‌نیافتگی اقتصادی استان کرمانشاه، فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۲(۲) ۷۵۸-۲۲۹. https://ipes.razi.ac.ir/article_2352.html

احمدی، س، زارعی، ب، حیدری‌فر، م، عزمی، آ و فهمیمی، س. ۱۴۰۳. عوامل توسعه نیافتگی نواحی مرزی (مطالعه موردی: شهرستان‌های مرزی استان کرمانشاه)، مجله مهندسی جغرافیایی سرزمین، ۸(۱). ۸۱-۱۰۲. https://www.jget.ir/article_163961.html

- ادهمی، ج. حسینی، ق. قاسمی، ع و وطن پرست، ر. ۱۳۹۸. روند و جریان های مهاجرتی استان مرزی کرمانشاه طی دو دهه اخیر، فصلنامه جمعیت، ۲۶، (۱۰۸ و ۱۰۷)، ۵۳-۷۶. <https://www.noormags.ir>
- احمدی، ح و بیدالله خانی، آ. ۱۳۹۲. پساتوسعه گرایی و بازنمایی های انتقادی از گفتمان توسعه؛ رویکردی مردمی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۵ (۳)، ۴۷-۶۴. <https://jids.srbiau.ac.ir>
- احمدیان، ق، ۱۳۹۱. نقد کتاب پساتوسعه گرایی؛ پساتوسعه گرایی و بن بست های پارادایم توسعه، پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۷، (۸) <https://ensani.ir>
- استان شناسی کرمانشاه. ۱۳۹۵. پدید آورندگان: سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران سهامی خاص، چاپ ششم.
- ایراندوست، ک، آشوری، ک و هاشمی، ب. ۱۳۹۵. بازشناسی عناصر تاریخی هسته شهر ایرانی (مطالعه موردی؛ هسته تاریخی مرکز شهر کرمانشاه)، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۶ (۲۴)، ۸۵-۹۹. <https://www.sid.ir>
- بدری فر، م و قبری، ن. ۱۳۸۴. پویایی شناسی بنیان های جغرافیایی در چشم اندازهای روستایی (مطالعه موردی دهستان هی شیوه سر، گاور و دینور استان کرمانشاه)، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، ۲ (۱)، ۳۸-۵۲. <https://journals.srbiau.ac.ir>
- بیرانوندزاده، م. سبحانی، ن. فلاحی، خوشبچی، م. و علی زاده، د. ۱۳۹۷. تحلیل سطوح پایداری توسعه روستایی در استان کرمانشاه، مجله علوم جغرافیایی (جغرافیای کاربردی)، ۱۴ (۲۹)، ۸۱-۶۹. <https://geographic.mashhad.iau.ir>
- پاپزن، ع. آگهی، ح و شاهمردی، م. ۱۳۹۵. مؤلفه های اصلی ورزش های بومی و محلی به منظور بهره برداری در توسعه پایدار روستایی: مورد مطالعه بازی ها و ورزش های بومی و محلی شهرستان کرمانشاه، فصلنامه توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۸ (۱)، ۸۹-۱۱۲. <https://jrd.ut.ac.ir>
- پور میرزا، ع. قربانی نژاد، ر. یوسفی، ا و سرور، ر. ۱۳۹۸. ارزیابی و سنجش وضعیت توسعه در استان کرمانشاه با تأکید بر سیاست منطقه گرایی، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، ۱۶ (۶۳)، ۳۲-۱۸. <https://sarzamin.srbiau.ac.ir>
- پوراحمد، ا. بهدوست، ف و نظری، ط. ۱۳۹۴. نقش گردشگری شهری در توسعه کالبدی شهر کرمانشاه، نشریه مطالعات نواحی شهری دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ۲ (۶)، ۳۷-۲۱. <https://jusg.uk.ac.ir>
- پیت، ر و هارت ویک، ا. ۱۳۸۴. نظریه های توسعه، ترجمه مصطفی ازکیا و دیگران، تهران، نشر لویه. ۳۱۶ ص.
- جان پرور، س. احمدیان، ق و نوری، م. ۱۳۹۹. بررسی تحولات پارادایمی در حوزه توسعه: تحول از توسعه مدرن به نظریات معاصر، فصلنامه پژوهش های سیاسی و بین المللی، ۱۱ (۴۴)، ۴۱۹-۴۰۳. <https://jpir.takestan.iau.ir>
- حشمتی جدید، ح و دیگران. ۱۴۰۰. رهیافت آمایش مناطق مرزی در استان کرمانشاه از نگاه توسعه و امنیت پایدار، نشریه علمی مدیریت و پژوهش های دفاعی، ۲۰ (۹۱)، ۶۷-۳۱. <https://www.sid.ir>
- حجاریان، ا. ۱۴۰۰. تحلیل علی مؤلفه های تأثیرگذار بر مدیریت مراتع (مطالعه موردی: مراتع استان کرمانشاه)، مرتع، ۱۶ (۴): ۷۰۰-۶۸۱. <https://www.sid.ir>
- حیدری ساربان، و. باختر، س و زیارتی، م. ۱۳۹۷. تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه پایدار کشاورزی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای استان کرمانشاه)، فصلنامه جغرافیا و پایداری محیط، ۸ (۲)، ۷۴-۵۹. <https://ges.razi.ac.ir>
- دانش نیا، ف و محمدی فر، ی. ۱۴۰۱. مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی، فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، ۵ (۱)، ۳۵۷-۳۸۸. <https://ipes.razi.ac.ir>
- دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری، ۱۴۰۱. چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار تابستان ۱۴۰۱، www.amar.org.ir
- رنانی، م و محمدی، ن. ۱۴۰۰. توسعه کرمانشاه (گذار به توسعه اجتماعی نخبه محور)، انتشارات اصفهان، فرهنگ مردم، چاپ اول. ۳۶۰ ص.
- رهنما، م. ۱۴۰۲. پساتوسعه، مترجم: رویا منجم، تهران: انتشارات تمدن علمی، چاپ سوم. ۱۸۴ ص.

- زاکس، و. ۱۳۷۷. نگاهی نو به مفاهیم توسعه، مترجمان: وحید بزرگی و فریده فرهی، تهران: نشر مرکز، چاپ اول. ۲۴۸ ص.
- سالنامه آماری استان کرمانشاه سال ۱۳۹۷. ۱۳۹۸. معاونت آمار و اطلاعات (سازمان برنامه و بودجه کشور، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمانشاه).
- سمیعی اصفهانی، ع و حبیبی، ف. ۱۳۹۴. نظریه پساتوسعه و الگوی اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران؛ رویکردی مقایسه‌ای، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۱۸ (۶)، ۵۱-۷۳. <https://www.sid.ir>
- سینائی، ح. ۱۳۷۰. بحران هویت، فصلنامه فرهنگ، ۱ (۴).
- شمس، م و ملک حسینی، ا. ۱۳۸۹. بررسی لزوم احداث شهر جدید در اطراف شهر کرمانشاه، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال ۲ (۴)، ۹۷-۱۰۷. <https://ensani.ir>
- شهوند، ع، سعیدی نیا، ح. (۱۳۹۷). تحلیلی تاریخی از زمینه های پیدایش برنامه ریزی توسعه ای و شکل گیری سازمان برنامه در ایران (دوره پهلوی ۱۳۰۴-۱۳۲۷ ه. ش). تاریخ اسلام و ایران (علوم انسانی)، ۲۸ (۴۰) (پیاپی ۱۳۰)، ۳۳-۵۷.
- SID. <https://sid.ir/paper/400188/fa>
- شرکت پیشگامان توسعه کشاورزی کشور، ۱۴۰۲. سرمایه‌گذاری ۶۰۰ میلیارد تومانی برای احداث بزرگترین گلخانه غرب کشور در اسلام‌آبادغرب، <http://kpadco.com>
- صفایی پور، م، نادری، ک و ایصافی، ا. ۱۳۹۰. اثرات تحولات جمعیتی شهرنشینی و شهرگرایی بر ساختار اقتصادی، اجتماعی و کالبدی شهر کرمانشاه، همایش ملی فضای جغرافیایی رویکرد آمایشی مدیریت محیط، ۲۰ آذر ماه ۱۳۹۰. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلام شهر.
- طهماسبی‌زاده، ن و کریمی اورگانی، ف. ۱۳۹۷. بررسی وضعیت گردشگری در طاق بستان با تکیه بر معیارهای ارزش‌گذاری مشروط، فصلنامه محیط زیست طبیعی، منابع طبیعی ایران، ۷۱ (۳)، ۳۷۱-۳۸۳. <https://jne.ut.ac.ir>
- طیبنیا، س و فتاحی، ر. ۱۳۹۸. تحلیل و سطح‌بندی درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه، فصلنامه مهندسی جغرافیای سرزمین، ۳ (۶)، ۱۷-۲۹. <https://www.jget.ir>
- عزیز پور، ف. ۱۳۹۴. مدرنیته و تحول کالبدی- فضایی سکونت گاه‌های روستایی ایران، فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۱۱۵. ۳۷-۵۰. <http://jhre.ir>
- علی‌پور، ح. (۱۳۹۲). بومی‌گرایی، پساتوسعه‌گرایی و خروج جمهوری اسلامی از گتمان توسعه، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۹ (۲)، ۴۷۱-۴۵۳. <https://jpbq.ut.ac.ir>
- علیزاده‌آرند، م و کتغانی، ز. ۱۳۹۸. رویکردی به‌الگوی بومی پیشرفت از منظر پارادایم پساتوسعه‌گرایی، هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشران‌ها، چالش‌ها و الزامات تحقق، بیست و دوم و بیست و سوم خرداد ماه ۱۳۹۸.
- فتاحی، س. ۱۳۹۵. مسئله شناسی راهبردی توسعه در استان کرمانشاه، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- قلی‌پور، س. ۱۳۹۶. سازماندهی فضایی شهر کرمانشاه در دوره پهلوی اول، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۷ (۱)، ۷۱-۵۱. <https://ijar.ut.ac.ir>
- کریمی، ج و احمدی، و و حامد، ب. ۱۳۹۶. تهیدستان شهری (نگاهی تاریخی و جمعیت‌شناختی به حاشیه‌نشینان کرمانشاه)، پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۶ (۱۱)، ۱-۲۶. <http://ensani.ir>
- کاتوزیان، ه. ۱۴۰۳. نه مقاله در جامعه‌شناسی تاریخی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات مرکز، چاپ ۱۱. ۲۹۸ ص.
- اللهویردی خسروی و دیگران. ۱۳۹۰. اطلس مشاغل بومی استان کرمانشاه، تهران: انتشارات و رای دانش، ص ۱۴۴.
- ملکی، ا و رضایی، پ. ۱۳۹۵. پیش‌بینی مکان‌های در معرض خطر فرونشست دشت کرمانشاه با استفاده از مدل فازی، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا (مدرس علوم انسانی)، دوره ۲۰ (۱)، ۲۳۵-۲۵۱. <http://ensani.ir>
- ملکی، س. صحرایی، ن و صحرایی، س. ۱۳۹۱. ارزیابی و شناسایی جاذبه‌های گردشگری در راستای توسعه پایدار (مطالعه موردی: استان کرمانشاه)، اولین همایش ملی گردشگری و طبیعت‌گردی ایران زمین.

- مومنی، س و درویشی، ه. ۱۳۹۸. نگاهی به مکتب پساتوسعه، فصلنامه علمی-ترویجی جامعه، فرهنگ و رسانه، ۸ (۳۲)، ۸۵-۱۰۶.
<https://www.jscm.ir>
- نادری، ن و امری، ص. ۱۳۹۷. ارائه مدل فرایند بومی جهت توسعه کسب و کارهای خانگی در استان کرمانشاه، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، ۵ (۲)، ۱۷-۳۱. <https://jead.gau.ac.ir>
- نجفی رستاقی، ح و دهقانیان، ح. ۱۴۰۰. بازاندیشی انتقادی مفهوم «توسعه» با تأکید بر ملاحظات معرفتی حکمرانی در ایران، فصلنامه راهبرد توسعه، ۱۷ (۴)، ۴۱-۶۹. <http://rahbord-mag.ir/Article/36311>
- نظم فر، ح، علی بخشی، آ و باختر، س. ۱۳۹۴. تحلیل فضایی توسعه منطقه‌ای استان کرمانشاه با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۵ (۳۶)، ۲۵۱-۲۲۹. <https://jgs.khu.ac.ir>
- Unzueta, Amaia and Mary Tere Guzmán. 2015. Capability development as a strategy for change A collective search for alternatives. Publisher: NGO promoted by the Jesuits.
- Sande Lie, Jon Harald. 2008. "Post-Development Theory and the Discourse-Agency Conundrum". Journal of Social Analysis. Vol 52. Issue 3. <https://www.uio.no>
- Matthews, Sally J. 2018. "Postdevelopment Theory". Published in : international studies Oxford University Press.
- Munck, Ronaldo. (2023). "Rethinking Development". Centre for Engaged Research Dublin City University.
- Escobar, Arturo. (2014). "Imagining a Post-Development Era? Critical Thought, Development and Social Movements". Social Text. No. 31/32.
- BeckB, Kumari. (2021). "eyond Internationalization: Lessons from Post-Development". Journal of International Students. Vol 11. Issue S1. pp. 133-151.
- Escobar, A. (1995). Encountering Development: The Making and Unmaking of the Third World. Princeton University Press.
- Sachs, W. (1992). The Development Dictionary: A Guide to Knowledge as Power. Zed Books.

وب سایت

<https://www.agriksh.ir> / (Available at: 1400/9/28)

<https://www.irna.ir> / (Available at: 1399)

<https://www.kshrw.ir> / (Available at: 1399)

<https://www.irna.ir/> (Available at: 1399) 9

<https://nnt.sci.org.ir> / (Available at: 1398)